



علمای واقعی دینی حمایت نمی شوند

ضوا، مسعود هفته نامه اللق " استرالیا

در هفته قبل مولوی محمد آقا حبیبی امام مسجد ابوحنیفه (رح) در شهر چاریکار مرکز ولایت پروان، هنگامی که از مسجد به سوی خانه اش روان بود، مورد تیر باران قرار گرفت و به شهادت رسید. این خبر از طریق رسانه های افغانستان پخش و نشر شد. تا جایی که هفته نامه " افق " آگاهی دارد، مردم به ویژه مقتدیان محل علاوه از دانش اسلامی به شهامت و اخلاق اسلامی آن شهید که حقایق دین را بدون اغماض و بدون ترس و بدون مصلحت های فردی، گروهی، زبانی، حزبی همچنان بدون سازشهای دولتی و در نظر گرفتن زور گویی های گروههای تروریستی چون طالبان، القاعده و داعشیان و مهمتر از همه احزاب به ظاهر اسلامی افغانستان مثل راکت پرانان و چپاولگران و امثال آنها را با معیار های اسلام به انتقاد می گرفت، حسنات و سیئات هر کدام را بی باکانه به مقتدیان ارائه می کرد.

شهید مولوی محمد آقا حبیبی در کشور ما و در سرزمین های غربت زده (افغان نشین) یگانه عالم دین و یا امام مسجد نبود که مسند و رسالت حضرت رسول کریم (ص) و راهیان راستین پیامبر اسلام را صادقانه و شجاعانه حراست کرده است، بلکه ده ها شخصیت های عزیز دیگری نیز وجود دارند که سر زمین ما و اسلام به وجود شان افتخار می کند.

با تاسف در کشور ما این رسم ناباب و ناشایست و دور از اخلاق اسلامی و آداب اجتماعی سخت ریشه دوانیده که؛ از چلی مسجد تا طلبه (طالب که پاکستان با سوء استفاده ازین نام، تروریستان را پیشکش کرده است) و هر آن کسی که با عبا و قبای ملایی، حفظ چند آیه و یا چند حدیث و یا با خواندن چند تا کتاب محدود دینی چاپ شده در بازار قصه خوانی پشاور و یا فارغ شده از کدام مدرسه دولتی یا خصوصی در افغانستان و پاکستان و نهایتاً با مدرک (معادل صنف 12 - 14 و یا ندرتاً لیسانس شرعیات) بدون ایجاد و یا تالیف کدام اثر علمی دینی با ضوابط اکادمیک و صلاحیت تدریس دانشگاهی که وجود دارند، نفهمیده های این قماش آنقدر ساده لوح، کم معلومات و ...!! هستند که بی جا و بی مورد خود را عالم دین معرفی می کنند و یا اگر میدانند که آنها هنوز شاگرد استند و به مقام و مسند (عالم دین) نرسیده اند، باز هم خود را عالم دین معرفی میکنند. بدون شک با این عمل منافقانه شان، خاک در چشم مردم می پاشند که این عمل نه تنها استفاده سوء از دین است، بلکه خیانت بزرگ اجتماعی نیز به حساب می رود. چنانچه همه میدانند که نه فقط در افغانستان بلکه در سراسر دنیا

هزاران در هزار فاکولته خوانده ها و کسانی که به درجه های لیسانس یا بالاتر ازان در رشته های حقوق، اقتصاد، و سایر علوم تجربی تحصیل کرده اند و مدرک به دست آورده اند، ابدأً به خود این جرأت و اجازه را نداده اند و نمیدهند که خود را (بدون ضوابط معیاری) عالم یا دانشمند اقتصاد، حقوق و یا سایر علوم معرفی کنند. این ملا ها و آخوند های (ناخوانده به منبر) و ملا گونه ها اند که با استفاده از احساسات دینی و کمبود معلومات دینی عامه هر چیزی که از دست شان برسد ، دریغ نمی کنند و چه بسا ازین قماش اند که تا حد لازم و حتی وافر به حقایق دین معلومات دارند، یعنی تحصیلات عالی و اکادمیک در علوم دینی اسلامی دارند، از دانشگاهاه و سایر مراجع اکادمیک دینی اسلامی فارغ شده اند و صاحب تجربیات و صلاحیت های علمی میباشند، ولیک دیده شده که برخ آنها ایمان اسلامی و دانش دینی شان را به قیمت نادیده گرفتن باور های دینی از عذاب آخرت و همچنان خیانت به داشته های مسلکی شان؛ دین، مردم و کشور شان را در برابر به دست آوردن مال و منال و جاه و منزلت و قدرت به فروش می رسانند و تا سرحد مزدوری به بیگانه گان ذلیل می گردند. از همینجاست؛ وقتی مردم اعمال و کردار منادیان دروغین دین و تلاشهای اشخاص و گروه های خاین به اسلام اما در زیر نام اسلام را توأم با کشتن ها، بستن ها، سنگسار ها، سربریدن ها، انتحاری ها و ده ها و صد ها ویرانی های دیگر در کشور خود می بینند، آنگاه یکی از انتقاد های شدید شان به سوی ملاها و یا علمای دین می شود که چرا آنها حقایق اسلام را روشن نمی سازند و بر زبانهای شان مَهر سکوت گذاشته اند.

مشکل در همین جاست که چهره های علمای دینی واقعی که وارثین خلف الصدق پیامبر اند، در میان آشفته بازار کشور ما مثل چهره های سایر دانشمندان، فرهنگیان و شایسته گان در سایه جهالت ها، خود بینی ها، مصلحت ها، قدر ناشناسی ها، زور گویی ها و ده ها نا هنجاریهای دیگر سیاسی و اجتماعی که در فکر و ذهن مردم ما ریشه دوانیده است، کمرنگ و حتی بی رنگ شده است و چه بسا از آنها که قربانی هم می شوند.

جان شیرین است و این مقوله در میان مردم ما زیاد به کار بُرده می شود که : (جان هوش کردن، جان نگا کردن فرض است). بلی !

یک تعداد ملا ها، مولوی ها، آخوند ها، حجت الاسلام ها و علمای واقعی در افغانستان وجود دارند که در جوار ایمان به خدا و توکل به الله ، در عالم امکان خود را بی کس و تنها و بی حمایت احساس می کنند. به این معنی؛ هرگاه بخواهند حقیقت اسلامی را نسبت به تبهکاری های باند های تروریستی و یا اسلام نما های نامسلمان و یا رهبران و قوماندانانی که با اسلام تجارت میکنند، چیزی بگویند و یا آنها را افشا کنند، بی وقفه به قتل می رسند و یا به شدیدترین عذاب مواجه می شوند (مثل مولوی محمد آقا حبیبی)، دران صورت حد اقل خاموشی اختیار می کنند و به نفع تبهکاران و تروریستان کار نمی کنند. و اما وای از برخی ملا ها و آخوند های افغان که در کشور های غربی بخصوص استرالیا به سر میبرند و با استفاده از آزادی بیان و دیموکراسی هرچه نفرین، دعای بد (مثل بیوه زنهای درمانده) و هر گپ دیگر را با آب و تاب از طریق منابر مساجد و سایر محافل به آدرس یهود، نصارا، مجوسی، خلقی ها و پرچمی های "بگیل" روس، امریکا، انگلیس باد میکنند ولیک هرگز از جنایات گلب الدین حکمتیار و سایر چپاولگران به اصطلاح جهادی و قوماندانان آنها و کشور هایی که خود را تیکه داران مذاهب شیعه و سنی قلمداد میکنند و هزاران مسلمان را به جرم شیعه بودن و یا سنی بودن به قتل می

رسانند، مهر بر زبان نهاده اند. همین دست ملاها و آخوند ها اند که می بینند و می شنوند که طالبان، القاعده و اکنون داعشیان چگونه برخلاف اسلام و به نام بدی اسلام به قتل، انفجار، انتحار، سنگسار، محاکمه های صحرایی دست می زنند، اما زبان این ملاها گنگ و چشم های شان کور شده، به عوض آنکه حقایق اسلام را نسبت به اعمال انتحاری و تروریستی بیان کنند، تا جوانان و نوجوانان ما به دام تروریستان نیفتند و به سوریه و عراق سفر نکنند، قسمت اعظم گفتار و خطابه های شان را مار، گژدم، قصه های نقل شده از کتابهای چاپ بازار قصه خوانی پشاور و یا برخی مسایل فقهی و اخلاقی تشکیل میدهد که مسایل فقهی و اخلاقی را به هیچصورت نفی نمی کنیم و نفی کرده نمیتوانیم، اما ضرورت عاجل جوانهای ما به آن است تا در چنگ تروریستان قرار نگیرند. بدون شک این دست ملاها، آخوند ها و عالم دین تراشهایی که در کشور های غربی و از جمله در استرالیا به سر می برند و میتوانند در حمایت از دیمو کراسی به بیان حقایق اسلامی بپردازند، شوربختانه در زبان شان مهر زده اند و هیچ دلیل دیگری وجود ندارد که ازین حالات مبرا باشند:

1 - این گونه ملاها و آخوند ها کسانی اند که مسلمان اند، معاشرت خوب دارند، کم یا بیش معلومات اسلامی هم دارند و میتوانند نماز های جماعت، خطبه ها و خطابه ها را نیز انجام دهند و بسیار خوبی های دیگر نیز در آنها وجود دارد، اما جرأت اخلاقی و اسلامی ندارند و یا آنکه می ترسند مباد موقف خود را از دست بدهند.

2 - این دسته ملاها همان کسانی اند که در حلقه و یا مربوط به یکی از احزاب؛ مثلاً: حزب اسلامی گلب الدین حکمتیار اند که نسبت به هر کس دیگر هم خودش در ترور و وحشت کمبود نکرده و هم علناً با گروه های طالبان و سایر گروه های آدمکش تروریستی همدست می باشد. یعنی آنها به نحوی در پروژه های طالب سازی و تروریسم پروری سهیم میشوند.

3 - این گونه ملاها و آخوند ها از کسانی اند که مستقیم و یا غیر مستقیم از کشور های تیکه دار مذاهب (شیعه و سنی) معاش می گیرند، حمایت می شوند و به مزدوری آنها جان کنی می کنند و برای اینها و بادران شان فرق نمی کند که در جهان اسلام زیر نام شیعه و سنی به چه تعداد مسلمان به قتل میرسد.

اکنون هفته نامه "افق" از همه ملاها، مولوی ها، علمای دین که به حق شخصیت های آزاده، قابل احترام و فارغ از هرگونه معامله گری ها و مصلحت بینی های خدا ناپسندانه می باشند با کمال احترام تقاضا میکند، با توکل به خدا و استفاده از فضای آزادی بیان حقایق اسلامی را بی پرده و بدون هرگونه ترس و واهمه به مردم ابلاغ نمایند تا از یکطرف رسالت دینی خود را انجام داده باشند و از طرف دیگر دین اسلام را که از دست تروریستان و دشمنان اسلام روز تا روز به سوی بد نامی کشانیده می شود نجات دهند.